

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary - Cultural

ادبی

یادداشت: قطعه شعر زیبایی را که در ذیل می خوانید ، سروده آقای پامیر است که سالها قبل وقتی خانواده شان به بی سر نوشتی آوارگی پاگذاشتند؛ برای آنها ارسال داشته اند. این شعر را جناب شان در شب ۲۸ نومبر ۲۰۰۸ در محفل "کاروان شعر" در شهر تورنتو قرائت نمودند، که اینک از نظرتان می گذرد.

پورتال AA-AA

پیکار پامیر

وطن گم کرده ای مادر

ایا مادر !
شنیدم باز آوازت ،
تنم از سوزش آوای لرزانت به سوز آمد
چومشتی خار خشک کز تابش خورشید در دشت و دمن سوزد
و یا چون لخت خونین جگر ،
کوفتاده روی پاره ای اخگر ،
و فریادم زدل برخاست و اشک از دیده شد باران .
ولی ، مادر ! ندانستم ،
چسان آن " صفحه " ای بیجان ،
صدای سوزناک ات را
به روی سینه ای نازکتر از برگش
نهاد و زان سرا سوی منش آورد
سوی آنکه آتش بر تنش افتد
و فریادش ز دل خیزد !
ایا مادر !
نمیدانم ،
نمیدانم چه تاثیر ست در نامت ،
چه آتشنا بود بنهفته در جانم ،
چه آهنگی در آوایت ،

که می داغد دل و جانم
و میسازد غزلخوانم.
بلی ، مادر !
وطن گم کرده ای ؟ دانم !
وطن گم کرده ام ، دانی !
مثال مرغ مهجور پریشانی
که صیاد سیه کردار جنگل
آشیانش را نهاده بر ره باد و کف آتش
که میسوزی و میسوزم
تو در (آنجا)
و من (اینجا)
همانند هزاران مرغک گمگشته ی آواره ی نالان .
ایا مادر !
شنیدم باز آوازت
تنم از سوزش آوای لرزانت به سوز آمد . . .